



سال شانزدهم ۵ اسفند ۱۳۹۹
۱۱ رجب ۱۴۴۲ قمری ۲۰۲۱ سال سی و چهارم | شماره ۹۴۷۴ | ویژه نامه ۲
www.qudsonline.ir

حجت‌الاسلام رنجبر در گفت‌وگو با رواق:

عصر امام رضا عصر شکوفایی تمدن اسلامی

رئیس سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی
در گفت‌وگو با قدس به مناسبت روز مهندس تشریح کرد

کارمان را از «فلکه حضرت» شروع کردیم

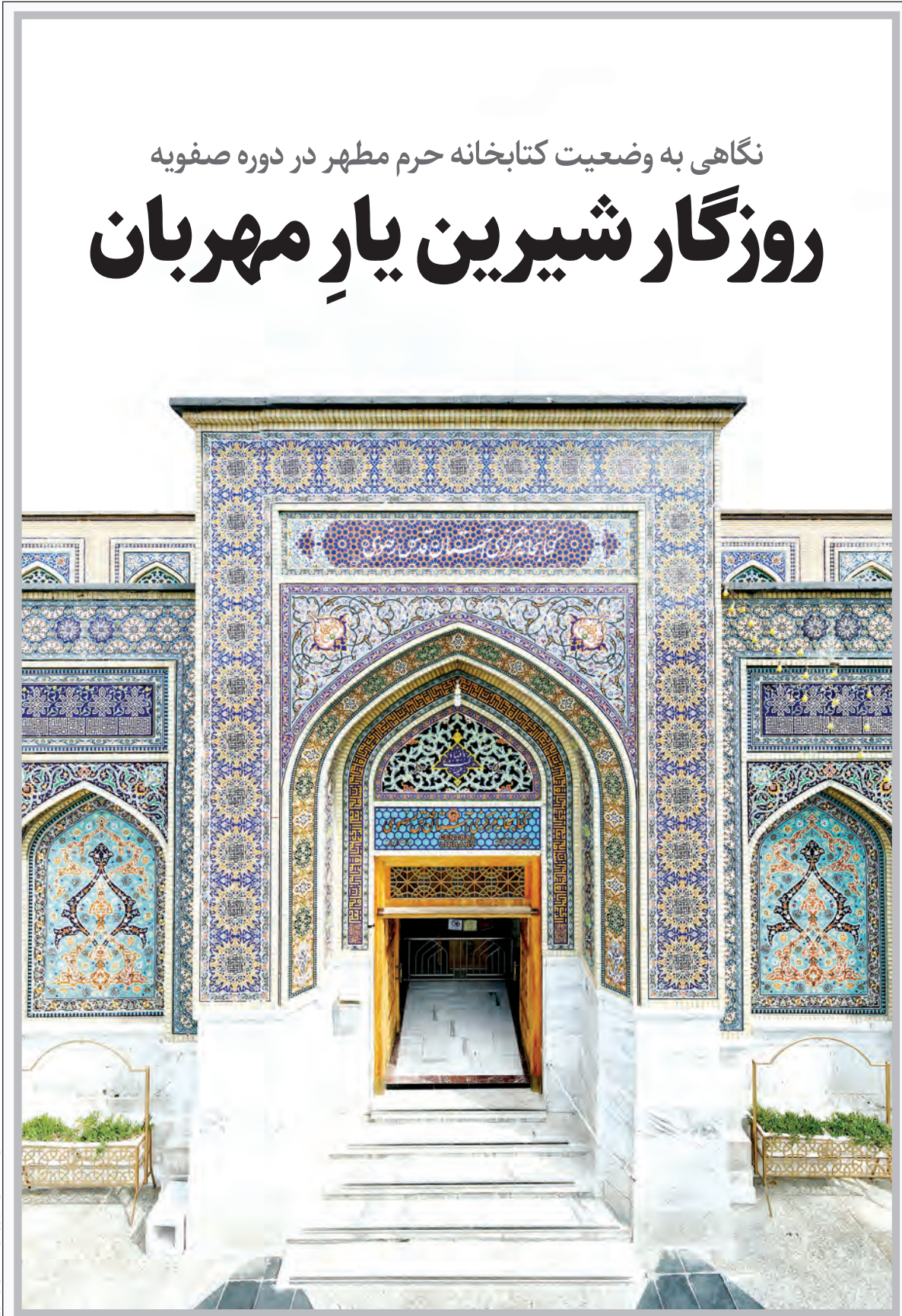
نیم نگاه
حجت‌الاسلام محمد غفوری

ما ایرانی‌ها مرهون امام رضاییم
امام رضا(ع) با بیان حدیث سلسله الذهب، نقشه مأمون را که می‌خواست با کشاندن امام(ع) به مرو برای حکومت بنی عباس مشروعیت کسب کند زیر سؤال برد و تأکید کرد که پذیرش ولایت من موجب نجات شماسنت...

کتابخانه

درباره سیستم آبرسانی قدیم به حرم مطهر امام رضا(ع)
ماجرای قناتی که بلاگردان شد

روستای سناباد، قریه‌ای باستانی در نزدیکی شهر نوغان بود که امروزه به بخشی از شهر مشهد تبدیل شده است. پدران ما به خاطر دارند که در روزگاری نه چندان دور و تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی، قناتی پرآب با نام همین روستا در مشهد جاری بود و بخش‌هایی از شهر به ویژه حرم مطهر از آن استفاده می‌کردند. روایاتی مبنی بر غسل دادن پیکر مطهر امام رضا(ع) پس از شهادت ایشان، در آب این قنات وجود دارد که البته تأیید آن‌ها نیازمند تحقیق بیشتر و اظهار نظر کارشناسان و علماست. قدیمی‌ترین خبری که درباره قنات سناباد وجود دارد مربوط به روایت شیخ صدوق از آن است که در قرن چهارم هجری نقل شده. جالب است بدانید دلیل نقل این روایت هم ماجرای سیل عظیمی بود که قنات سناباد مانع از آسیب رساندن آن به مشهد شد. ماجرا از این قرار بود که پس از جاری شدن سیل و حرکت آن به سمت مشهد بخشی از قنات سناباد فرو ریخت و آب وارد آن شد و از این طریق به کانالی دیگر ریخت و به این ترتیب مسیر حرکت آب تغییر کرد و به مشهد نرسید. ابوالحسن عراقی، یکی از نویسندگان دوره غزنوی از احیای قنات سناباد در دوران خودش سخن گفته است؛ این نشان می‌دهد که قنات سناباد در دوره‌های مختلف بارها و بارها تعمیر و احیا شده است. براساس برخی گزارش‌های تاریخی، تا سال ۱۰۲۷ هـ ق پیش از جاری شدن آب قنات موقوفه مهدی قلی بیگ، قنات سناباد تنها قناتی بود که آب مورد نیاز اماکن متبرکه را تأمین می‌کرد. در اسنادی مانند طومار علیشاهی و طومار عضدالملک که موقوفات آستان قدس رضوی در آن‌ها ثبت شده‌است، نامی از قنات سناباد هم به میان آمده اما واقف آن معلوم نیست. به دیگر سخن هیچ کس نمی‌داند این قنات قدیمی و مشهور مشهد توسط چه کسی و در چه تاریخی ساخته شده است. در دوره ناصرالدین شاه بخشی از آب قنات سناباد در آشپزخانه حرم جریان داشت و در آنجا مورد استفاده قرار می‌گرفت. سال ۱۳۲۰ بود که آستان قدس در دو مرحله و به مدت ۲۳ سال قنات را به شهرداری مشهد اجاره داد؛ اما در سیل مهیب سال ۱۳۲۹ مسیر آن مسدود شد و حتی پس از لایروبی و ترمیم هم دیگر شدت جریان آب آن به اندازه قبل باز نگشت. اوایل دهه ۱۳۴۰ با توسعه طرح‌های آبرسانی در مشهد و البته حفر چاه‌های عمیق در نزدیکی قنات سناباد، رفته‌رفته خشکی وی‌آبی به سراغ آن آمد و از سال ۱۳۴۳ به کلی از میان رفت و مسیرهای عبور آن نیز تنها در نقشه‌های قدیمی شهر مشهد باقی ماند. هرچند ممکن است در عملیات عمرانی شهرسازی گاه به بقایای این قنات باستانی برخورد کنیم.



محمدحسین نیکبخت: شرط می‌بندم گذر خیلی از شما حداقل یک بار به کتابخانه باشکوه آستان قدس رضوی افتاده است. کتابخانه‌ای بسیار زیبا، با فضایی آرام‌بخش که حتی اگر اهل کتاب خواندن هم نباشید، به یک بار دیدن می‌ارزد! همین که کتابخانه داخل اماکن متبرکه و نزدیک به صحن و سرای امام هشتم(ع) قرار گرفته حس خوبی را در انسان به وجود می‌آورد. امروزه ساختمان کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مساحتی قابل ملاحظه پیدا کرده و افزون بر کتابخانه، سالن همایش‌ها و دیگر امکانات موجود در آن نیز مشغول خدمت‌رسانی به مراجعان است.

۴۰۰ سال پیش

اما بهتر است بدانید اوضاع کتابخانه همیشه این قدر خوب نبوده است. نه اینکه ارزش کتابخانه آستان قدس در دوران‌های گذشته، کم بوده باشد؛ نه! حرم چیز دیگری است. یعنی راستش را بخواهید فکر نمی‌کنم کسانی که ۴۰۰-۳۰۰ سال پیش از این سر و کارشان به کتابخانه آستان قدس می‌افتاد، توقعی مثل توقعات امروزه ما داشته و تصورشان از کتابخانه شباهتی به تصور امروزی ما بوده باشد. برخی‌ها زمان تأسیس کتابخانه را قرن چهارم هجری و در حدود سال ۳۶۰ ق برآورد کرده‌اند؛ درست یا نادرستش گردن خودشان، اما آنچه می‌توان درباره‌اش با یقین صحبت کرد رونق کتابخانه در دوره صفویه است. یعنی وقتی دودمان صفوی روی کار آمدند، آستین‌ها را بالا زدند تا کتابخانه را نو نوار کنند.

لاید در آن دوره وضعیتی ایجاد شده که کتاب دوست‌ها(منظور عالمان و دانش‌جویان و طلبه‌های آن روزگار است) تعدادشان افزایش یافته و بیشتر از دوره‌های گذشته دنبال کتاب و کتاب‌خوانی بوده‌اند. این را هم ناگفته می‌دانید که کتابخوان‌های آن روزگار جنبش‌شان را امروزی‌ها از زمین تا آسمان متفاوت بود مثلاً کسی نمی‌آمد از کتابخانه با هزار دردسر کتاب بگیرد و ببرد خانه تا شب‌ها نیم ساعت قبل از خواب آن را بخواند و خوابش بگیرد! کتابخوانی هم اگر کتابخانه شخصی داشت در آن خبری از کتاب‌های تزئینی و ویرتینی و... نبود همه کتاب‌هایش واقعاً کتاب بودند.

هزار کتاب و این همه شغل؟! البته آن روزها که نثر فارسی به قول ادبی‌ها پررنگ‌گفت بود و مردم عادی از فهم محتوای خیلی از نوشته‌ها عاجز بودند، کسی برای کتابخانه آستان از کلمه ساده و خشک و خالی «کتابخانه» استفاده نمی‌کرد و معمولاً آن را دنباله و پیسوند «حضرت» یا «سرکار فیض آثار» همراه می‌کردند. در این دوره، کتابخانه آستان قدس فقط بین ۹۰۰ تا هزار نسخه کتاب داشت که در آن زمان برای خودش رقمی بود و

اذن دخول به سبک حافظ

۲

ما، حرم ورهایی از اسارت فکری

سید حسین العطاس، از متفکران مالزیایی سنگاپوری مفهومی با عنوان captive mind به معنای «ذهن اسیر» دارد، به این معنا که ذهن در بند است و هنوز به تفکر آزاد نرسیده است. یعنی کسانی که به تعبیری در مقام ذهن هنوز نتوانسته‌اند ذهنشان را از یوغ استعمار خارج کنند و یک mental decolonization داشته باشند تا بتوانند مناسبات جهان و سازوکارهای جهان را به صورت دیگری ببینند و جهان دیگری را برای خودشان ترسیم کنند. سید حکیم کمال، دانشجوی فلسفه سیاسی دانشگاه روپورت کارلس هایدلبرگ آلمان....

حرم شناسی

کهن‌ترین بنای حرم پس از بقعه مطهر را بشناسید
بهشت در بهشت

این را که ناگفته می‌دانید قدیمی‌ترین بنا و قسمت حرم مطهر رضوی، روضه منوره و مکانی است که ضریح در آن واقع شده است، اما اینکه پس از روضه منوره کدام قسمت‌های حرم از قدیمی‌ترین بناها محسوب می‌شوند را احتمالاً نمی‌دانید. نام «مسجد بالاسر» را البته شاید شنیده باشید، یعنی یکی از قدیمی‌ترین بناهایی که در مجموعه حرم رضوی وجود دارد و همچنان به عنوان مسجد شناخته شده و استفاده می‌شود. مسجد کهنسال بالاسر؛ مسجدی به ابعاد چهار و تا پیش از هشت متر و ارتفاع ۱۰ متر است که در غرب روضه منوره قرار دارد و تا پیش از شرایط کرونایی، آقایان به آن دسترسی داشتند. این بابویه که سال ۳۸۱ هـ ق درگذشته، ضمن بیان یکی از کرامات امام رضا(ع)، در کتاب شریف «عیون اخبار الرضا(ع)»، به وجود این مسجد اشاره کرده است. بیهقی، مورخ نامدار قرن پنجم و ابن بطوطه، جهانگرد مشهور مسلمان که در سال ۷۳۴ هـ ق به مشهد آمده هم در نوشته‌ها و سفرنامه خود به مسجد بالاسر و کاشی‌کاری‌های بسیار زیبای آن اشاره کرده‌اند. البته تزئینات و آینه‌کاری‌های مسجد بالاسر با روضه منوره متفاوت بود تا اینکه در سال ۱۲۲۹ خورشیدی، محمدولی میرزا، حاکم منصوب فتح‌علی شاه قاجار، راهی را از مسجد بالاسر به بقعه مطهر باز کرد و در چند سال پس از آن، مسجد به تدریج شکل و شمایل تزئینات درون بقعه را به خود گرفت و در دو نوبت آینه‌کاری شد. این تعمیرات و تغییرات تا سال‌های بعد و حتی قرن پس از آن، تا دوام داشت. سال ۱۳۴۲ را باید سال تغییرات اساسی در شکل ظاهری مسجد بالاسر بدانیم. در این سال، دیوار قطور قسمت غربی بقعه مطهر برداشته شد و در نتیجه بین بقعه و مسجد بالاسر سه درگاه عریض ساختند تا رفت و آمد زائران بهتر و راحت‌تر انجام شود. پس از این تحول، صفه‌ای که در شمال مسجد قرار داشت هم برداشته شد و سقف مسجد که از آجر و چوب بود، با بتن و مصالح جدید نوسازی شد. سنگ‌های مرمر که در قسمت پایین دیوار به کار گرفته شده بودند، جمع‌آوری شدند و جایشان را به کاشی‌های زرین‌فام که از روی نمونه‌های کاشی سنجر ساخته شده بودند، دادند. در همین دوره است که آینه‌کاری مسجد را هم جمع‌آوری کرده و به جای آن از کاشی‌های معرق ممتاز استفاده کردند. در قسمتی از کاشی‌کاری‌های دیواره، قصیده‌ای از دکتر قاسم رسا، ملک‌الشعرای وقت آستان قدس با این مطلع وجود دارد: «بیا که مظهر آیات کبریا اینجاست/ نوین کتیبه تاریخ این بنا اینجاست... هزار و سیصدو هشتاد و پنج از هجرت/ بیا که تربت سلطان دین رضا اینجاست».

عکس: مصطفی شیرزایی/ عکس رضوی

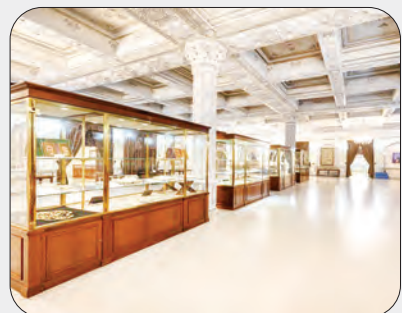
واقفانه

وقف: قرائت از مرز دین

هدایای کفش فروش ارمنی به موزه آستان قدس رضوی

وقتی یک کار خیر انجام می شود و منتعش به همه مردم می‌رسد، دیگر رنگ و لعاب و مقام فردی که آن را انجام داده مهم نمی‌شود. مهم این است که تا دنیا دنیااست نام آن فرد در کائنات باقی می‌ماند.
وقف این‌گونه است. مهم نیست واقف از چه دین و مذهبی برخاسته، مهم این است که فهمیده این کاری که تصمیم به انجام آن گرفته، ماندگار می‌ماند و برکتش هم نامش را ماندگار می‌سازد.
در حرم حضرت رضا(ع) از این جنس انسان‌ها زیاد هستند. گویی خاک این دیار چنان کشنده و جذب‌کننده است که مهم نیست کیش و مذهب چه باشد؛ تنها به یاداش کار خیر بر عمل نیکی که انجام داده‌ای به تو می‌نگرند. این مجموعه‌دار د مسیحی که مجموعه‌های سکه، تمبر و اسکناس خود را به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرده، از همین دست انسان‌هاست.

باید بیش از ۷۰ سال داشته باشد اما پیرمرد نیست. دلش حسابی جوان است اگرچه با تاریخ زیاد دست و پنجه نرم کرده. برایم جالب است که بیش از ارمنی بودنش به اینکه ایرانی است، افتخار می‌کند. این کفش‌فروش مسیحی در هیچ دانشگاهی تحصیل نکرده اما مدل‌ها، اسکناس‌ها و سکه‌های ایران و دوره‌های مختلف حکومت ارمنستان و شوروی را به خوبی می‌توانسد در در حوزه شخصیتی آن بسیار با ماهر و مطرح است. با اینکه فارسی صحبت کردن برای او یک آوانسیان بسیار مشکل است اما با صمیمیت خاصی درباره هدایای حرف می‌زند که به موزه آستان قدس رضوی تقدیم کرده است.



می‌گوید دوستان ایرانی و مسلمان بسیار صمیمی‌دارد و از طریق همان‌ها دانسته گنجینه‌ای به این عظمت در مکانی مقدس وجود دارد: «آقای عبدالحسن زعفرانی اهداکنندهسکه‌هایولایتعهدیامام(رض) است که رابطهای بسیار صمیمی با ایشان دارم. یکبار در گفتگوهای، دلیل وقف مجموعه‌هایش را جویا شدم و او مسئله را این‌گونه برایم مطرح کرد که علاقه وافری به گنجینه‌هایش دارد و ترجیح می‌دهد آن را به قدس‌ترین و امن‌ترین جای کشور سپارد تا به بهترین شکل از آن‌ها استفاده و نگهداری شود؛ همین گفتگو برایم انگیزه ایجاد کرد. او اهداکننده مجموعه‌ای از سکه‌های ماشینی ضرب شده در ایران، ارمنستان و شوروی است که به گفته خودش سال‌ها برای گردآوری آن زحمت کشیده؛ همچنین تمهادهای گوناگون ارمنستان را که قدشنان به ۹۰ سال پیش از اشغال توسط کمونیست‌های شوروی می‌رسد، وقف موزه حرم مطهر کرده. از او درباره روز وقف در دینش می‌پرسم و با حوصله پاسخ می‌دهد: «درباره وقف و اهدای ملک یا هر شئی در دین ما آن‌طور که در اسلام به روشنی به آن اشاره شده، مطلبی عنوان نشده اما همیشه در کتاب‌های دینی و گفته‌های رهبران دینی‌مان بر اطام و رسیدگی به کودکان و افراد کهتسال تأکید شده است. به‌خصوص زورهای خاص که گرد هم افراد مستمند و نیازمند در میان خود دروغ نمی‌کنیم، اما باید گفت نگاه به فرهنگ وقف در دین اسلام بسیار ویژه و گسترده‌است و ایجاد مختلفی را پوشش می‌دهد».

جمله‌ای زیاده‌ای حرف‌هایش در ذهنم می‌پیچد. آن را به زبان می‌آورم و آوانسیان هم با لیخندش این‌گونه میهمان می‌کند: «به این درست است؛ واقعا وقف دل بزرگی می‌خواهد. من شخصا با اعتقاد و اطمینانی که به دوستان مسلمان خود داشتم و در این مسیر گذاشتم اما به نظر، در پیشرفت‌ترین و پوترین نگهداری‌شود هیچ سودی ندارد اما برای مثال اگر روی همین سکه‌های کشور ارمنستان تحقیقات تخصصی صورت گیرد، می‌توان تاریخچه‌ای از ضرب سکه‌های ارمنستان تهیه کرد و بسیاری از مردم از آن استفاده کنند».

در قرن چهارم هجری عصر امامت امام رضا(ع)، تمدن و فرهنگ اسلامی به اوج خود رسید. هر چند این دوره حساسیت ویژه‌ای داشت، از یک سو عباسیان با هدف بی‌اعتبار کردن علویان شهبانی را به دین و فرهنگ اسلامی وارد می‌کردند و از سوی دیگر فرقه‌های کلیمی مختلف با به عرصه فرهنگ اسلامی گذاشته بودند. در چنین شرایطی امام رضا(ع) با شیوه‌های جدید، نبر با این انحرافات را دنبال می‌کرد.

برای بررسی این مبحث مهم به سراغ حجت‌الاسلام محمدرضا رنجبر رفتم تا دیدگاه‌های این استاد حوزه و دانشگاه را در این مورد جویا شویم.



● **عصر امام رضا(ع) را دوران طلایی تمدن اسلامی می‌دانیم؛ در این مورد چه نظری دارید؟**

بله، در تاریخ ثبت شده که بهترین دوران گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، عصر حضرت رضا(ع) است. در بررسی شرایط قرون پیش می‌بینیم خلافت امویان مبتنی بر جمعیت عربی بود، یعنی بیشتر جنبه سخت‌افزاری فتوحات اسلامی را در نظر داشت. بنابراین شاید بتوان گفت امویان به نحوی مانع گسترش تمدن اسلامی بودند. اما بیشتر عناصر عباسیان مبتنی بر افراد غیرعرب و ایران و بنابراین قرن چهارم، یعنی زمان حکومت مأمون عباسی بیشتر فتوحات نمرافزاری بود و اسلام بر تمدن و اندیشه ملل مفتوحه تأثیر گذاشت. نکته دیگر اینکه مأمون بیشتر از خلفای پیش از خود به به مسائل علمی و فلسفی علاقه داشت و علما را از نقاط مختلف در می‌آورد و حتی در بیت‌الحکمه کتاب‌هایی را از علوم مختلف ترجمه می‌کرد.



ادب الرضا

ادن دخول به سبک حافظ

معین اسفوری: در کتاب‌های تاریخ ادبیات جای ندیده‌ام که در زندگی خواجه شیراز، مسافرت به مشهد برای او ثبت شده باشد. حافظی که سخت دل‌ناخته شیراز است و از بیان این دل‌باختگی ابایی هم ندارد: «اگرچه زنده‌مرد لب حیات است/ ولی شیراز ما از اصفهان به». مثل هزاران غزل و قصیده و رباعی اشعار شیرین‌سخن ما که هیچ‌کس از حس و حال سرودن آن‌ها خبر ندارد و این معما یا هیچ تحقیق و پژوهشی هم کنشوده نتواهد، شد، حافظ نیز غزلی دارد که نیمه دوم آن بسیار مشهور است و از قضا در حرم مطهر رضوی نیز نقش و نگار شده است. غزلی که اگر کسی نیمه اول آن را بخواند دهشتن حتی کوچک‌ترین تقریبی هم به سمت مشهد و حال و هوای زیارت و درد دل یک زائر فقیر و خسته پیدا رنگ‌آمیز» جلوتر هم که می‌رویم داستان به همین منوال است و فرقی نمی‌کند: «فدای پیرهن چاک ماه، دروازه باد راز/ چرا هم تقوی و خرقه پیرهن» اما از این پنج بیت بعد انگار حافظ یادش می‌آید که چه می‌خواهد بگوید. انگار لکنت زبانش را زده و حدیثی را در خاطر می‌گذارد. حدیثی که در کتب و روایت‌ها رواج دارد و با وقعه امام رفوف از جان می‌برد: «بیاله بر کفتم یا سبخ می‌دهد: «درباره وقف و اهدای ملک یا هر شئی در دین ما آن‌طور که در اسلام به روشنی به آن اشاره شده، مطلبی عنوان نشده اما همیشه در کتاب‌های دینی و گفته‌های رهبران دینی‌مان بر اطام و رسیدگی به کودکان و افراد کهتسال تأکید شده است. به‌خصوص زورهای خاص که گرد هم افراد مستمند و نیازمند در میان خود دروغ نمی‌کنیم، اما باید گفت نگاه به فرهنگ وقف در دین اسلام بسیار ویژه و گسترده‌است و ایجاد مختلفی را پوشش می‌دهد».



حجت‌الاسلام رنجبر در گفت‌وگو با رواق:

عصر امام رضا دوران شکوفایی تمدن اسلامی است

»

مهم‌ترین مباحث مناظره‌های امام رضا(ع) در مواجهه با دانشمندان غیرمسلمان اثبات توحید خدا، نفی شیهه، جبر و اثبات نبوت پیامبر اکرم(ص) و در مواجهه با فرقه‌های اهل سنت، اثبات امامت امیرالمؤمنین(ع) و الهی بودن امامت ایشان بود

حضرت رضا(ع) در این نهضت چه نقشی داشت؟

حضرت در شکوفایی عقل‌گرایانه معارف و عقاید اسلامی نقش بسیار مهمی داشت به طوری که با توجه به کم شدن تعداد بزرگان و علما و جوان دانشمندان غیرمسلمان اثبات توحید خدا، نفی شیعه، جبر و اثبات نبوت پیامبر اکرم(ص) و در مواجهه با فرقه‌های اهل سنت، اثبات امامت امیرالمؤمنین(ع) و الهی بودن امامت ایشان بود. امام با فرقه‌های گوناگون شیعه، به‌ویژه واقفی‌ها که فقط معتقد به هفت امام بودند مناظرات بسیاری داشت تا جایی که شیعه را به دو گروه واقفیه و اثنی‌عشریه تقسیم کرده و می‌گوید: شیعمانی که به امامت حضرت رضا(ع) معتقدند اثنی عشریه و قطعیه هستند زیرا فردی که امامت تامن الحجج(ع) را بپذیرد در واقع ۱۲ امام را پذیرفته است.

بنابراین امام(ع) از یک سو با دلایل متقن و عقلی، معارف اسلامی را ترویج و اثبات و از سوی دیگر معتزله را که دارای افکار عقل‌گرایی افراطی بودند با بیان عقل‌گرایانه کنترل می‌کرد.

داستانی از ایام نوجوانی

ما کفتر جلدیم

شرم می‌کردیم اما هیچ جوهر حاضر نبودیم مسئولیت اشتباهان را گردن بگیریم، درست همان طور که حاضر نمی‌شدیم خودمان را بابت مرود شدن در مدرسه مقصر بدانیم. ما نه حاضر بودیم مثل آدم‌های معمولی برای زیارت و نماز خواندن به حرم برویم نه حاضر بودیم تفرج‌حانات را به نقطه دیگری به جز حرم و خیابان‌های اطرافش منتقل کنیم!

هربار که بعد از کلتجار رفتن با خودمان، نقطه دیگری مع اندازی راه می‌انداختم، بعضی‌هایمان هم که کمی معنوی تر بودیم، بعد از ساعت‌ها پرسه زدن در صحن، برای خواباندن لعش عذاب وجدانمان هم که شده، یک و بدون آنکه خودی سر سوزگه هم بزنیم، طبق عادت همیشه‌ای خم می‌شدیم رو به گنبد، یکبار یکی از مغازه دارهای کنار میدان را به دیدن ما دعوت کرده بود، پرسید چرا برای تفریح به یکی از پارک‌های اطراف

نمای نزدیک

اولین میهمانی



می‌شوی عمو؟ صدای قطاره داریم میریم مهمونی، بابا میگه این مهمونی خیلی خاسه خیلی خوش می‌گذره اونجا یک آدم هست، کلک بچه مثل من. اونجا خیلی بزرگه عمو؟ من حالا نترتم، اما بابا و مامان قیلا دو سه باری رفتن. مامان میگه اونجا به اتاق بزرگ از آن آینه هست. می‌تونیم بریم اونجا بشینیم نولون آینه و من کلی باچه‌های مهدوم بازی کنم. بابا میگه صاحب اونجا خیلی مهربونه، خیلی ما بچه‌ها رو دوست داره راستی عمو! بابا میگه اونجا خیلی‌ها مثل من روی ولچر میان حرم درسته؟ می‌خوام ببشون بگم زارت‌ناشین منم خیلی وقته روی ولچر می‌شینم، بابا می‌گه خدا اون آقا رو خیلی دوست داره، بخاطر همین به همه حرفاش گوش می‌ده. یعنی هرچی اون از خدا بخواد، خدا بپیش نه نمی‌گه. تازه مادرچون گفته اون آقا به حرف اونای که اولن(ن می‌روین اونجا بیشتر گوش می‌کنه) منم که حالا نترتم، می‌خوام ببش بگم که به خدا میگه بابا و مامان رو راضی کنه که من بذارم مدرسه بچه‌های معمولی آخه من خیلی تنهام... ناگهان به بابای کوچکش و سربزرگی که در پیش‌داد می‌لختند، این بختد. یعنی منم با خود می‌گویم: ختما صاحب این آستان از عهده میزبانی این قدم‌های کوچک به خوبی برمی‌آید....

این جانب‌پخش است و آن پول‌پخش.

همچنین در مناظره‌های امام جلو فرقه‌گرایی در آیین تشیع گرفته شد.

● **نقش آزادی بیان را در فضای حاکم بر عصر امام رضا(ع) چطور ارزیابی می‌کنید؟**

همچنین در مناظره‌های امام جلو فرقه‌گرایی در آیین تشیع گرفته شد.

● **نقش آزادی بیان را در فضای حاکم بر عصر امام رضا(ع) چطور ارزیابی می‌کنید؟**

همچنین در مناظره‌های امام جلو فرقه‌گرایی در آیین تشیع گرفته شد.

امام رضا(ع) و توصیه‌های پیوسته ایشان به استعمال عطر

جای سجده‌ای که از بوی عطرش شناخته می‌شد

دارالشفا

امام رضا(ع) و توصیه‌های پیوسته ایشان به استعمال عطر

امام رضا(ع) و توصیه‌های پیوسته ایشان به استعمال عطر

از جمله مواردی که شیخ عباس قمی در مفتاح به خصوص آداب زیارت به آن اشاره می‌کند این است که زائران محترم به هنگام زیارت، لباس تمیز و مناسب بپوشند و خود را خوشبو کنند. سنت استعمال عطر و خوشبو کردن از مواردی است که در روایات و احادیث زیادی از معصومین(ع) به آن تأکید شده است. امام رضا(ع) استفاده از عطر را موجب انبساط روحی دانسته و در توصیه‌ای به مردم می‌فرمایند: «برای مرد سزاوار نیست که استفاده هر روزه از بوی خوش را ترک کند پس اگر نتوانست، یک روز در میان و باز اگر نتوانست، در هر جمعه خود را خوشبو سازد و هیچ گاه این عمل را رها نکند» (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۰) همچنین ایشان استفاده از عطر را یکی از سه خصلت انبیا بیان کرده است.

در روایات دیگر نقل شده بوی خوش همواره از محل زنگی امام رضا(ع) پراکنده بود. در همین زمینه از یکی از همراهان امام رضا(ع) نقل شده که آن حضرت به عود هندی بخور می‌کرد و پس از آن گلاب و مشک به کار می‌برد.(قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الا، ج ۳، ص ۱۳۲) حسن بن مهم می‌گوید: حضرت رضا(ع) از منزل خارج شد، بوی خوش بخور از آن جانب ساطع بود و در روایت دیگری اشاره می‌کند: چون خدمت امام رضا(ع) رسیدم، طرفی نزد من آورد که در آن ششک بود و خطاب به من فرمود: از این مشک بردار و بر خود بمال. مقداری برداشتم و بر خود مالیدم. فرمود: مقداری دیگر بردار و بر گوشت پایین گردن بمال.

همچنین امام رضا(ع) ضمن توصیه به استفاده پیوسته از بوی خوش و فرستادن صلوات هنگام عطر زدن، فرمود: «کأن یعرف صادق شجوبی علی عبدالله به طیب ریحه» جایگاه سجده امام صادق(ع) از بوی عطر آنجا شناخته می‌شد. (مکارم الاخلاق، ص ۸۱) دلیل خوش‌بویی جایگاه سجده امام صادق(ع) را در توصیف‌ای از خود ایشان به وضوح می‌توان مشاهده کرد که فرمودند: «ادم ابتدا عطر از محل سجده استفاده کن و سپس آن‌را به سایر بقایا پهن بزن، (مسندک السائلان و مستند السائل، ج ۱، ص ۲۳۲)

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

استعمال بوی خوش و عطر زدن مسئله‌ای بود که تمام ائمه

دیدگاه

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

امام رضا(ع) نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشت

